

بازگشت مامان‌گنده

ساسان کلفر

cinemaglobe.blogfa.com

کمی‌بی‌انصافی است اگر فیلم‌های اکران شده این هفته را «رؤیا» بنامیم، مگر اینکه رؤیاهامان خیلی زمخت باشند، از جنس مارتین لارنس نتراشیده و نخراشیده که در هیبت مهیب «مامان‌گنده» به روی پرده سینما بازگشته است. البته فیلم‌های دیگری هم جمعه این هفته در سینماهای جهان اکران شده‌اند که بیشتر به کابوس شبیه هستند تا رؤیا.

— — —

مامان‌گنده‌ها: پسر کو ندارد نشان از پدر
Big Mommas: Like Father, Like Son



مالکولم ترنر، مأمور اف بی آی، بار دیگر ناچار است برای پیگیری جنایتی به قالب مادربزرگ هیکل گنده‌ای دربیاید که در فیلم قبلی این مجموعه درآمده بود، البته این بار پسرخوانده هفده ساله‌اش

هم که شاهد یک قتل است، باید تغییر لباس بدهد و در قالب شخصیت مؤنثی به نام چارمین در کنار پدر به دنبال یک گنگستر روس بگردد. مارتین لارنس، براندن جکسن، جسیکا لوکاس، میشل آنگ و پورشیا دابلدی بازیگران این کمدی جنایی هستند که جاناتان وایتسل کارگردانی کرده است. این فیلم یازده سال بعد از فیلم اصلی پرفروش مجموعه به روی پرده فرستاده شده است. زمان نمایش فیلم ۱۰۷ دقیقه است و با درجه بندی «پی جی ۱۳» (کودکان زیر ۱۳ سال فقط همراه با بزرگترشان می‌توانند فیلم را در سالن تماشا کنند) اکران می‌شود.

ما همینیم که هستیم

We Are What We Are (Somos lo que hay)



در این درام ترسناک مکزیکي به کارگردانی خورخه میشل گرو، بزرگ خانواده‌ای می‌میرد و نوجوانان خانواده باید مسوولیت برگزاری مراسم تدفین او را بر عهده بگیرند. این مراسم با آیین‌هایی از جمله شکار و تهیه گوشت برای میز غذا همراه است، تنها تفاوتش با مراسم معمول این است که خانواده محترم همگی آدمخوار هستند و برای تشریفاتشان باید مدام آدم بزدند و بکشند. پائولینو گیتان، دانیل خیمینز کاجو، آدریان آگویره و ماریام بالدراس از جمله بازیگران این فیلم ۹۰ دقیقه‌ای اسپانیایی زبان هستند که در سال ۲۰۱۰ تهیه شده و در جشنواره کن سال گذشته به‌نمایش درآمده است.

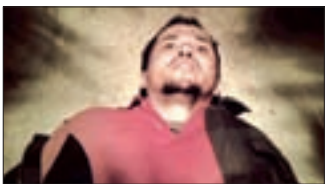
آخرین شیرها

The Last Lions



«آخرین شیرها» مستندی درباره زندگی شیرهای رو به انقراض در آفریقا است؛ جانورانی که نیم قرن پیش تعدادشان به نیم میلیون می‌رسید و اکنون از بیست هزار تجاوز نمی‌کند. وضع شیرها از سایر گونه‌های رو به انقراض بدتر است، مثلاً بر خلاف فیل‌ها، که تعدادشان اکنون بسیار بیشتر از شیرها است، عملاً تحت حفاظت دولت‌ها قرار ندارند. درک و بورلی ژوبرت، زوج مستندساز اهل بوتسوانا که پیشتر جایزه تلویزیونی امی را برده‌اند و بیش از چهل سال است با نشنال جئوگرافیک همکاری می‌کنند، تحقیق و ساختن این فیلم را برعهده گرفته‌اند. جرمی آپروز گوینده نریشن این فیلم ۸۸ دقیقه‌ای به زبان انگلیسی است که زندگی شیر ماده‌ای به نام «مادر شیرها» را دنبال می‌کند.

ناپدید شدن در خیابان هفتم
Vanishing on 7th Street



هنگامی که شهر دیترویت در تاریکی شب در معرض فاجعه‌ای قرار می‌گیرد، در گوشه و کنار شهر معبود، افرادی خود را تنها می‌یابند، چون بقیه ناپدید شده‌اند و از آنها لباس‌ها و خودروها و سایه‌هایی بلند بر جا مانده است. زمانی که تاریکی شهر را فرا می‌گیرد، بازماندگان در می‌یابند که فقط با حفظ منابع نور باقی‌مانده می‌توانند جلوی نابودی خود را بگیرند. برد اندرسن این فیلم ترسناک را کارگردانی کرده است و بازیگرانش هایدن کریستنسن، جان لگوویزامو، تندی نیوتن، جیکوب تیمور و تیلور گروتیس هستند. این فیلم که با بودجه ۱۰ میلیون دلار ساخته شده با درجه بندی R به نمایش درآمده است.

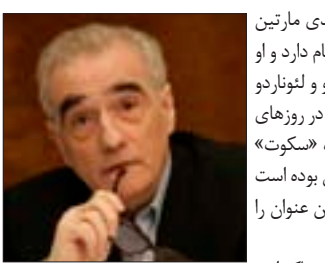
برادری
Brotherhood



این فیلم مستقل که سال گذشته جوایز تعدادی از جشنواره‌های داخلی آمریکا از جمله منتخب تماشاگران جشنواره‌های دالاس، SXSW، و سایدواک و برگزیده هیأت داوران نیوهمپشایر را دریافت کرد، درامی جنایی است که ویل کنان فیلمنامه‌اش را نوشته و لوکیشن‌های آن را آرلینگتن نگزاس کارگردانی کرده است. آدام باکلی برای ورود به یک انجمن برادری در کالج ناچار می‌شود به فروشگاهی دستبر بزند، اما مراسم ورود او به انجمن پیامدهای وحشتناکی پیدا می‌کند و هر اقدام او وضع را بدتر می‌کند. در این فیلم ۷۶ دقیقه‌ای که درجه R گرفته است، ترور مورگان، یان فاستر، لو تیلور پوچی و جنیفر ساییز بازی می‌کنند.

تازه‌چه‌گهی مکتی چو؟

اسکور سیزی به دنبال سکوت است



گفته می‌شد که فیلم بعدی مارتین اسکورسیزی «گرگ وال اسیرت» نام دارد و او در این فیلم بار دیگر با رابرت دونیرو و لئوناردو دی کابریو همکاری خواهد داشت، اما در روزهای اخیر اعلام شد که اسکورسیزی پروژه «سکوت» که از سال ۲۰۰۶ در صدد ساختنش بوده است را دنبال می‌کند و فیلم بعدی او همین عنوان را خواهد داشت.

«سکوت» بر اساس رمانی از شوساگو اندو

ساخته می‌شود که درباره دو کشیش یسوعی در امپراتوری ژاپن و مقابله آنها با خشونت‌های پیرامونشان است. احتمالاً دنیل دی لوئیس، بنیچیو دی تورو و گال گارسیا برنال در این فیلم حضور خواهند داشت.

۱۲ سینمای جهان

گفت‌وگو با تام هوپر، کارگردان «سخنرانی پادشاه»

بیرحمی تحمل‌ناپذیر دوربین

◀ **کیتی ریچ/ ترجمه بریا لطیفی‌خواه**

— با داستان‌هایی تاریخی مثل سخنرانی پادشاه این چه رفتاری در پیش می‌گیرید تا مانند تاریخ به نظر نرسد؟

— من به عنوان تاریخ به آن نگاه نمی‌کنم. برای من داستانی است که در زمان حال رخ می‌دهد. دیوید سیدل فیلمنامه نویس این فیلم در سال ۱۹۳۷ متولد شده است و هنوز آن سخنرانی‌های زمان جنگ را به یاد دارد. او به نطق‌های شاه جورج ششم در رادیو گوش می‌داد تا مطمئن شود آیا توانسته بر مشکل خود با سخنرانی غلبه کند یا نه. من هرگز این افراد را موجودی غیر از انسان تصور نکرده‌ام و اصلاً برایم قابل درک نیست که بتوان آنها را موجوداتی غیر از بشر دو پا در نظر گرفت. وقتی جان آدامز را می‌ساختم، می‌دانستم

که بچه‌های آمریکایی در مورد

او به عنوان یکی از پدران بنیانگذار کشورشان چنان تصویری دارند که نمی‌توانند او را به عنوان انسانی از جنس گوشت و خون در نظر بیاورند، چون من آمریکایی نیستم، می‌توانستم آزادانه با موضوع برخورد کنم.

— پس در مورد داستان شاه ممنوعیت بیشتری داشتید؟

— نه، چون هنوز دانسته‌های

ما درباره او خیلی زیاد نیست و تا اندازه‌ای مورد بی‌توجهی قرار گرفته و از ذهن جامعه پاک شده است. این مسأله که او واقعاً لکنت زبان داشته، در پرده ابهام مانده است و مسلمان‌هیچکس داستان فردی که مشکل گفتاری او را درمان کرد، نمی‌داند. ظاهر این است که من جذب شخصیت‌های شاخص و تاثیر آنها در فرهنگمان شدم. البته من به این منظور فیلم را نساختم، اما به نظر خیلی جالب است که انگلیسی‌ها در مورد حکومت سلطنتی اینقدر با خودشان درگیرند، از یک طرف آن را دوست دارند و محترم می‌شمارند — این مسأله برای آنها مثل سریال‌های آبکی تلویزیون است- و سو دیو دیگر مسأله تفاوت‌ها و امتیازهای طبقاتی در یک دموکراسی پیشرفته پراشان اینقدر حاد شده است. به نظر من زیبایی این داستان در بی‌اعتبار کردن مفاهیم ساده‌گرایانه در مورد امتیازهای طبقاتی است. اگر داستان جورج ششم را درست درک کنید،

• «مایک رایان» •

—هلنا بونهیم کارتر چطور بود؟

—من از وقتی نوجوان بودن و هلنا را در فیلم «اتاقی با چشم انداز» دیدم، از او خوشم می‌آمد. او بازیگر کلاسیک معرکه‌ای است و من پیش خودم فکر می‌کردم چقدر حیف که او برای سال‌ها بازیگری کلاسیکی نداشته است. و تحقیقاتی که او برای فیلم انجام داد، گفت‌انگیز بود. هر وقت به خانه او و تیم (برتن) می‌رفتم، یک تاریخدان را می‌دیدم که با آنها شام می‌خورد و البته با تاریخدانی که دفعه پیش دیده بودم فرق داشت. اگر دو دقیقه در کنار او باشید باورتان می‌شود که خود ملکه مادر است.

— جفری راش به گروه بازیگران‌تان چه چیزی

سال پنجم ■ شماره ۱۱۸۹ ■ یکشنبه ۱ اسفند ۱۳۸۹

شرق

تام هوپر پیش از این به تماشاگران ثابت کرده است که مهارتی در بازگویی داستان‌های تاریخی پرشور، شوخ‌طبعانه و انسان‌دوستانه دارد. وی اخیراً سریال کوتاه «جان آدامز» را برای شبکه اچ.بی.اُ کارگردانی کرده که نامزد دریافت ۱۳ جایزه امی شده و تحسین تماشاگران تلویزیون را در سراسر جهان برانگیخته است. هوپر برای کارگردانی فیلم «سخنرانی پادشاه» به زادگاهش انگلستان بازگشته است، فیلمی درباره جورج ششم، پادشاه انگلستان و اینکه چگونه در آستانه ورود کشورش به جنگ جهانی دوم توانست بر لکنت زبان خود غلبه کند. با این اوصاف شاید به نظر برسد که «سخنرانی پادشاه» باید فیلمی کسل‌کننده، احساساتی و بیش از حد جدی باشد، اما کاملاً برعکس داستانی پر تحرک و بسیار هیجان‌انگیز است، درباره دوستی و وظیفه شناسی در زندگی مردی که اگر در شرایط غیرعادی اجبار به پادشاه بودن قرار نمی‌گرفت، می‌توانست انسانی کاملاً عادی باشد. جورج موقعی ناچار می‌شود تاج بر سر بگذارد که برادر بزرگش دیوید (با بازی گای پیرس در این فیلم) برای ازدواج با یک زن آمریکایی مطلقه تخت و تاج خود را کنار می‌گذارد. بعد از مرگ جورج در سال ۱۹۵۲ دختر بزرگش، الیزابت، عنوان ملکه را گرفت و جانشین او شد. در این مصاحبه رودرو رو که چند هفته پیش انجام شد، هوپر، هوشمندی، دقت، همه جانبه نگری و تمایلش به استقبال از هرگونه شوخ طبعی که باعث می‌شود تماشای فیلمی‌مانند «سخنرانی پادشاه» چنین لذتبخش باشد را به اثبات رساند.



کار نیست. این کار را کردم چون فکر می‌کردم کالین باید طوری قاب بندی شود که با فضای منفی مربوط شود و قاب بندی جفری باید او را به پس‌زمینه درهم و برهم آن مکان ارتباط دهد. در صحنه اول اتاق مشاوره، کالین جلوی دیوار درب و داغانی ایستاده، در پایین چپ کادر قرار دارد و دیوار بر او غالب است.چهره‌اش با فضای منفی این قاب وارد گفت‌وگو می‌شود، چون من به دنبال راهی برای بیان غیاب و سکوت بودم. لکنت به وجود این غیاب و سکوت درناک مربوط می‌شود. این استعارای بصری بود برای آنکه لکنت چگونه چیزی است. اما در مورد رنگ‌ها آنقدر جالب است که نمی‌توانم به آن اشاره نکنم. شیوه قرار گرفتن شخصیت‌ها در قاب تصویر مانع از آن می‌شود که داستان کسل‌کننده و مربوط به گذشته‌ها به نظر برسد.

— راستش تا اندازه‌ای به خاطر آن است که من تصمیم گرفتم در اتاق مشاوره نماهای نزدیک بگیرم و برای فیلمبرداری برتی بیشتر از لنزهای واید استفاده کنم. معمولاً درهالیوود برای گرفتن نماهای نزدیک از لنزهای با فاصله کانونی بلند استفاده می‌شود.

اما بردن دوربین به نزدیکی بازیگر عملی بسیار بی‌رحمانه است. احساس می‌کند مورد محاکمه قرار گرفته است و جایی برای گریز ندارد. این را حس می‌کنید که فیلمبرداری بی‌رحمانه‌ای است. لنز تله ندارید، تصویر رمانتیک نیست، سافت فوکوس در

— حق با شماست. قاب بندی من کاملاً با قصد و غرض همراه بود. خودم قاب بندی می‌کردم و خیلی در انتخاب دقت می‌کردم. و من دوست داشتم کالین را طوری قد این قاب‌ها قرار دهم که مصمم به نظر برسد، اما خودش در این میان گیر افتاده باشد.

◀

می‌کنم. پس تاریخ باستان نیست. فکر می‌کنم برای مردم بسیار جالب است که به آنچه فیلمی تاریخی می‌بندارند، از ته دل بچندند.

—آن صحنه جلسه درمان اول فیلم چند تپله در دهانتان گذاشتید؟

هفت تا. اما مجبور بودم بیشتر بخواهم چون نمی‌خواستم تظاهر کنم. راستش کمی هم نگران بودم که مبدا یکی از آنها را قورت بدهم. البته تپله‌ها را استریلیزه کرده بودند. با پنج تا شروع کردیم ولی متوجه شدم که مجبورم تصنعی بازی کنم، بنابراین گفتم: «دو تا دیگر هم بگذارید.»

— ظاهراً جورج ششم به خاطر قدرت سخنوری هیترلر به او حسادت می‌کرد.

در واقع مرعوب شده بود. منظورم این است که فکر می‌کرد، «چطور با او رقابت کنم؟ رادیویی دارم که صدا را زنده پخش می‌کند، اما از میکروفن وحشت دارم، در حالی که این آدم

از آن برای هیپنوتیزم توده‌های مردم استفاده می‌کند. و من حتی نمی‌توانم حرف بزنم. اصلاً چرا این کار را به من داده اند؟»

—از قرار معلوم تو و جفری راش بهترین ایام عمرتان را در این فیلم تجربه کردید.

واقعاً روزهای خوبی داشتیم. عاشق آن لحظه‌هایی بودم که از کوره در می‌رفت.

منظورم این است که همراه با آقای هوپر به سختی کار می‌کردیم، و از آقای هوپر متشکرم که هیچ‌وقت خودش را از کار کنار نکشید. و باید دو ماه با خانواده‌ام خداحافظی می‌کردم. حتی روزهای یکشنبه تعطیل را هم کار می‌کردیم، تام هوپر آرزو می‌کرد اصلاً روز یکشنبه وجود نداشته باشد، جفری می‌آمد و دوباره همه چیز را از سر می‌گرفتم. عاشق کار بودیم و نمی‌توانستیم آن را زمین بگذاریم. و وقتی روی صحنه می‌رفتم مشکلی وجود نداشت. آدم باید خیلی خوش شانس باشد که یک بار در عمرش بتواند چنین نقشی داشته باشد.

فیلم چه گفت؟ در مراسم تشییع جنازه اکثر

مردم ترجیح می‌دهند که در تابوت باشند نه اینکه سخنران مراسم باشند.

— یکی از مواردی که نظر مرا به فیلم

«سخنرانی پادشاه» جلب کرده این است که این فیلم به فیلم‌های سنتی مربوط به تاریخ انگلیس، هیچ شباهتی ندارد.

این ایده فیلم تاریخی و خاص یک دوران

هم مسأله جالبی است. منظورم این است که اگر اهل انگلستان باشید نمی‌توانید از شرش خلاص شوید، اما بازه است که من — که این همه فیلم درباره دوره‌های تاریخی مختلف بازی کرده ام- واقعاً خیلی به این مسأله فکر نمی‌کنم. و تام هوپر کارگردان هم معمولاً

نمی‌خواست ما احساس می‌فیلم تاریخی را درباره این فیلم داشته باشیم.

—پس به نظر شما آیا افرادی که «فیلم‌های تاریخی انگلیسی» را دوست دارند،

همچنان می‌توانند آنچه می‌خواهند در

این فیلم بیابند؟

شاید پیدا کنند. و شاید کسانی که از فیلم